

سوارانی بر مرکب

سرمد
stamadina@gmail.com

در یافته‌های همه افراد و جریانه‌های فکری که تاکنون انسان را به ما هو انسان مورد مطالعه و مذاقه قرار داده‌اند، به فهرستی از ویژگی‌های مشترک و یا مشابه می‌توان اشاره کرد که در یافتن مختصات وجودی انسان به عنوان موجودی ذوابعاد می‌تواند منشأ گشایش و روشننگری باشد. در این میان، بدون تردید رواج توافق و تفاهم بر سر این خصوصیات در میان افراد بشر می‌تواند به تعالی، سازگاری و جهانی‌آرمانی بینجامد، چرا که همواره نزاع و ناسازگاری در میان آدمیان، سیراب از آبشخور فهم ناکافی از یکدیگر است.

در میان این شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها که هیچ‌گاه هویت آدمی فارغ از آنها متصور نخواهد بود، صیوروت دائمی و حرکت ابدی انسان در بستر تحول و تغییر، یکی از ویژگی‌هایی است که باید آن را در زمره ذاتیات انسان دانست و اگر کسی بر این اساس، آدمی را متن یک حرکت بی‌سرانجام در خداوند بداند، سخنی به گزاف بر زبان نرانده و برجسته‌ترین شاخصه هویت‌ساز انسان را در تعریف او مطمح نظر قرار داده است.

ما انسانها عموماً این ویژگی ذاتی و هویت‌ساز را در تعامل با دیگران و قضاوت درباره نیات و عملکرد آنان جدی نمی‌گیریم و عمدتاً با نگاهی قطعیت‌گرا، وضعیت کنونی دیگران را وضعیت و شرایط همیشگی آنان می‌پنداریم و از این منظر درباره قضاوت و تعامل با آنان تصمیم‌گیری می‌کنیم و از این‌رو جهان امروز ما چندان رو به تفاهم و وفاق نمی‌گذارد و نزاع و کشمکش جزء جدایی‌ناپذیر جریان زندگی تلقی می‌شود.

ما هنگامی که به تعبیر استاد مصطفی ملکیان، آدمیان را به چشم یک «فرآورده» و نه یک «فرآیند» می‌نگریم، در فهم و درک شرایط و تصمیم‌گیری‌های آنان چندان صائب نخواهیم بود. دقت نظر در لوازم و نتایج چنین رویکردی به روشنی مبین اهمیت فوق‌العاده این نظرگاه و تأثیر شگرف آن در بسط بهداشت روانی و ترویج روحیه درک متقابل در میان جوامع بشری است.

انسانی که از پس خاکریز چنین بصیرتی دیگران را رصد می‌کند، علاوه بر احساس آرامش و طمأنینه روانی، خود را به برجسته‌ترین اصول اخلاق دینی و انسانی متخلق می‌یابد و فهم همدلانه و عمیق از هویت انسانی را در خود بارور می‌سازد. چنین انسانی اگرچه در مقام قضاوت درباره دیگران از ناهنجاریها، ناراستیها و ذمایم اخلاق انسانی چشم‌پوشی نمی‌کند و آنان را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد و هیچ‌گاه صلابت خود را در تقبیح زشتیها و تحسین فضیلتها از کف نمی‌دهد اما همواره ذهن او معطوف این معناست که آدمی نفس یک صیوروت در بستر ابدیت است که در هر بخش از این راه بی‌سرانجام

صیوررت

هر کس که امروز
بر مدار صلح و
گفتگو و فهم
همدلانه گفتار و
کردار آدمیان ره
می سپرد، گریزی از
آن ندارد که انسانها
را همچون سوارانی
بر مرکب صیوررت،
در بستر زمان و
شرایط موجود مورد
قضاوت قرار دهد
و هیچگاه حکم
ابدی بر آنان نراند
و همواره متفطن به
این حقیقت باشد
که همه موجودات
و از جمله انسانها
پیوسته و ناگزیر
به سوی کمال و
جمال بی نهایت در
حرکتند و هیچگاه
حقیقتی جز این،
نمی تواند وجهه نظر
آنان قرار بگیرد

شرایط و ظهورات خاص خود را دارد و از این رو قضاوت او درباره دیگران (در صورت تطابق با واقعیت نفس الامری) تنها خاص شرایط کنونی آنان است و بر این اساس، هیچگاه آدمیان را به تیر لعن و نفرین ابدی نمی سپارد و همواره آنان را در معرض تحول و تجدد می یابد و اینچنین چاشنی محبت و فهم همدلانه، بن مایه همه قضاوتها و تعاملات اوست.

این احتیاط و دقت نظر در قضاوت که همواره مطلوب شرایع الهی و آسمانی بوده است، از سوی عارفان مبزز و حکیمان متعمق نیز به عنوان یکی از بایسته های اخلاق انسانی مورد تصریح و تأکید واقع شده است چنانکه در این باره حضرت امام خمینی (ره) در کتاب شرح چهل حدیث در باب احتیاط در لعن و توهین، می نویسد: «شیخ عارف ما، روحی فدا، می فرمود: هیچ وقت لعن شخصی نکنید، گرچه به کافری که ندانید از این عالم [چگونه] منتقل شده مگر آنکه ولی معصومی از حال بعد از مردن او اطلاع دهد، زیرا که ممکن است در وقت مردن مؤمن شده باشد.»

بدیهی است که در روزگار ما فراگیری این نوع نگاه در میان انسانها (به ویژه اصحاب دیانت و اخلاق) تا چه حد می تواند از حجم اتبوه رنجی که تاکنون در اثر فقدان این نظرگاه در میان اجتماعات بشری پدید آمده، بکاهد و از بروز مضاعف آن ممانعت به عمل آورد.

از این رو هر کس که امروز بر مدار صلح و گفتگو و فهم همدلانه گفتار و کردار آدمیان ره می سپرد، گریزی از آن ندارد که انسانها را همچون سوارانی بر مرکب صیوررت، در بستر زمان و شرایط موجود مورد قضاوت قرار دهد و هیچگاه حکم ابدی بر آنان نراند و همواره متفطن به این حقیقت باشد که همه موجودات و از جمله انسانها پیوسته و ناگزیر به سوی کمال و جمال بی نهایت در حرکتند و هیچگاه حقیقتی جز این، نمی تواند وجهه نظر آنان قرار بگیرد گرچه آنان خود از این راز بی خبر باشند و در این میان، انسان، نفس هیجان رقتن در این راه بی سرانجام است که هیچگاه از حرکت باز نخواهد ایستاد.

